

بابل یکی از تمدن‌های باستانی حوزه **میان‌رودان** است. بابل در بین‌النهرین در حوضه رود **فرات** قرار داشت. بابلی‌ها از نژاد **سامی** بودند. کلمه **بابل** به معنی دروازه خدا (باب-ایل-نون) است. در سال ۲۰۰۰ پ.م. سلسله **سومریان** باستان از هم پاشید. سومر اولین و قویترین شهر - کشورهای بین‌النهرین و جانشین آن پادشاهی بابل و امپراتوری **آشور** بود. در سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد **عیلام** بین‌النهرین را به تصرف خود درآوردند. با درگیری طولانی سومری‌ها در جنوب و بابلی‌ها در شمال بین‌النهرین، سرانجام اقتدار بابلی‌ها تحت سلطه **حمورابی** ۱۷۹۲-۱۷۵۰ پ.م. تثبیت شد. از ۱۲۵۰-۱۷۵۰ قبل از میلاد بابل از طرف کوهنشینان **کاسی** لرستان فتح شد. حکومت کاسی‌ها بر بابل ۵۰۰ ساله شد. [۱]

در زمان **حمورابی** شیوه جدید مدیریت که تمرکز قدرت در مرکز و دربار بود به کار گرفته شد و قدرتی که در اختیار فرمانروایان ولایات بود به پادشاه تفویض شد و حکومت پادشاهی مدعی داشتن سرمنشاء الهی شد.

اقتدار بابل در دنیای قدیم آنچنان بود که در دولت‌های بعدی دنیای قدیم اثرگذار شد. به ویژه قوانین **حمورابی** که لوح‌نوشته آن در **شوش** یافته شده.

حمورابی شاه بابل را واضع اولین قانون نوشته می‌دانند. این مجموعه قوانین نوشته بر تخته سنگی یافت شده است که اصل آن در **لوور** است و رونوشت‌هایی از آن به موزه‌های ایران و عراق داده شده است.

قوانین **حمورابی** مربوط به زراعت، آبیاری، کشتیرانی، خرید و فروش برده و مجازات‌ها، ارث و ازدواج است. دوران تسلط بابلی‌ها از ۱۹۰۰ تا ۱۱۰۰ پ.م. است.

تمدن بابل و شاهان آن کمابیش به افسانه‌ها راه یافته‌اند. بابلیان را مبدع و مخترع بسیاری چیزها می‌دانند و فراوان کرده‌های بابلیان است که تا امروز به جا مانده است. از جمله ۱۲ بخش کردن روز و وضع هفته به عنوان بخش زمان.

باغ‌های معلق بابل از **عجایب هفتگانه**ی دنیای قدیم بوده و کنارش دیوارهای حصار بابل از شهرتی هم‌تراز برخوردار است. دیوارهایی که چنان عریض بود که اربابه‌ای را می‌شد بر فراز آنها راند.

نام بابل که شهر اصلی این تمدن بود به معنی شهر مقدس است، هر چند در **تورات** از آن به زشتی یاد شده و بر آن نفرین رفته است. در سال ۵۹۷ پ.م. که **بخت‌النصر** امپراتور بابل سرزمین **یهودیه** را به تصرف درآورد، بسیاری از

مردمان آن را که توان کاری داشتند به اسارت به بابل برد که در آن هنگام پایتخت [کلدانی](#) محسوب می‌شد. سرزمین [یهودیه](#) به صورت یکی از ایالات دور افتاده امپراتوری بابل درآمد.

سرانجام امپراتوری قدرتمند بابل به دست [کوروش کبیر](#) در سال ۵۳۸ ق.م. فتح شد. [ساتراپ](#) بابل بخشی از امپراتوری [هخامنشی](#) گردید. کورش کبیر به یهودیان امکان داد به سرزمین خویش باز گردند، شماری از آنان به سرزمین ایران کوچ کردند.

باغ‌های معلق بابل یا باغهای معلق سمیرامیس و دیوارهای بابل (عراق کنونی) یکی از عجایب هفتگانه می‌باشد. هردو این آثار ظاهراً به دستور بخت‌النصر دوم در حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد ساخته شده‌است. این آثار در نوشته‌های مورخان یونانی مانند استرابو و دیودوروس سیکولوس ذکر شده‌است ولی همچنان در مورد وجود آنها ابهاماتی هست. در حقیقت در هیچ یک از نوشته‌های بابلی در مورد وجود این باغ مطلبی ذکر نشده‌است. در طول قرن‌ها این منطقه با باغهای نینوا درآمیخته ولی در حکاک‌های موجود در آن نواحی روش‌های انتقال آب رودخانه فرات به ارتفاعی که برای این باغها احتیاج بوده‌است آورده شده‌است. این باغها برای خوشحال کردن همسر بخت‌النصر که بیمار بوده‌است ساخته شده‌اند. آمیتیس دختر ایختو ویگو(اژی دهاک) و نوه هُوخشتره (پادشاه ماد) با بخت‌النصر ازدواج کرد تا میان دو قوم صلح پایدار برقرار گردد. سرزمین ماد که آمیتیس از آن می‌آمد سرزمینی سرسبز و کوهستانی و پوشیده از گیاهان و درختان مختلف بود ولی سرزمین بابل در منطقه‌ای مسطح و فلاتی خشک قرار گرفته بود. یکی از دلایل بیماری آمیتیس هم دوری او از سرزمین خوش آب و هوای خود بود بنابراین بخت‌النصر تصمیم گرفت باغهای معلق بابل را در ارتفاع برای همسر خود بسازد کلمه معلق که برای این باغها استفاده می‌شود در حقیقت به این معنی نیست که باغها به وسیله طناب یا ریسمان به یکدیگر متصل بوده‌اند بلکه احتمالاً ترجمه اشتباه کلمه‌ای یونانی به معنای تراس یا بالکن بوده‌است. استرابو در قرن اول قبل از میلاد می‌نویسد: تراسها در طبقاتی روی یکدیگر واقع شده بودند و هر کدام دارای ستونهای سنگی مکعب شکل توخالی بوده‌اند که توسط گیاهان پوشیده شده بود. تحقیقات بیشتر در منطقه بابل منجر به یافتن پایه‌های این ستون‌ها شده‌است.



تصور شده توسط باستان‌شناسان قرن بیستمی

قدیمی ترین تمدن از نظر ریاضی : بین النهرین (بابل)

برتری ریاضی بابلی ها بخاطر دستگاه ارزشی - مکانی اعداد آنها می باشد .

س _____ ال ۳۵۰۰ قبل از میلاد

- لوحهای گلی که اعداد بر روی آنها حک شده است .

س _____ ال ۱۸۰۰ قبل از میلاد

- سلطان حمورابی قوانین را بر روی لوحهای گلی می نوشت .

- دوران ش _____ کوفایی ریاض _____ ی بابلی _____ ان

دهه _____ اول قرن هشتم قبل از میلاد

- س _____ لطان بخت النصار (King Nabonassar)

- یادداشت های خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی

س _____ ال ۵۳۰ قبل از میلاد

- کتیبه های مثلثی شکل بیستون (ایران)

- خط میخی (الفبای بابلیان) که رالینسون (Rawlonsen) در دهه اول قرن نوزدهم رمزگشایی نمود .

دس _____ تگاه اء _____ داد

- ب _____ ر پای _____ ه ۶۰

تحول و دگرگونی دیانت ابتدایی در بابل

هر چند دیانت بابلی خود وارث دین باستانی مردم **سومر** است ولی به نوبه خود مراحل تکامل و ارتقا را پیموده است و وقتی به زمان عظمت بابل رسید واجد اسلوب تصویری منظم و دستگاه فکری نسبتاً با ارتقایی گردیده بود. به عبارت دیگر، ریشه دیانت بابلی در ادوار تاریخ سومریها و اکدیها مخفی و مستور است. بدون شبهه می توان گفت که آن مبادی دینی از دیانت بدوی و عقائد ساده یعنی فتیشیزم و آنیمیزم ابتدائی آغاز شده و مراتب نشو و ارتقاء را طی کرده و چون تمدن بابل نضج یافت به صورت کامل تعدد آلهه نمودار گردید. آثار الواح گلی با خطوط میخی که اخیراً در ویرانه های بلاد و معابد بین النهرین یعنی کشور بابل بدست آمده همه موید این مدعاست.

- این سیر تکاملی دراز قریب چهار هزار سال ، در پرتو استقلال سیاسی بین النهرین و استقرار سلاله های سلاطینی که در آن زمان طولانی به نوبت خود پیایی حکمرانی می کردند، طی درجات کرده است. نخست، اعتقاد به خدایان خاصی در شهرهای کوچک ظاهر شد. یعنی هر شهری خدای خاص خود را داشته است که حافظ آن شهر و معبود ساکنین آن بوده و ساکنین هر شهر مقام و اهمیت خدای خود را بالاتر و بیشتر از خدایان دیگر بلاد می دانسته اند و بر سر آن آلهه با یکدیگر رقابتها داشته اند. بنابراین عدد خدایان به اسامی مختلف در تاریخ دینی بابلی بین النهرین فراوان است، هم در الواح گلی اکتشافی به وسیله باستانشناسان و هم در متون و منابع کتب مورخین یونان مانند **هرودوت** و دیگران نام آن همه آلهه عدیده به تفصیل ذکر شده است.

- بلاد بین النهرین مانند اوروک ، اوریدو ، لاکاش و بلاخره شهر اور مولد حضرت ابراهیم خلیل الله هر یک به نوبه خود خدای مخصوصی داشتند تا آنکه عاقبت نوبت به شهر بزرگ مرکزی یعنی بابل رسید پس خدای آن شهر در صدر آلهه سراسر مملکت قرار گرفت. وقتیکه سلطنت واحدی در کشور بین النهرین در پرتو سلطنت سلاله حمورابی تشکیل شد ، مردم آن خاک سر به آسمان بر افراشته و خدایان خود را در آسمانها جستجو کردند و و روشنان فلکی و کواکب و نجوم آسمانی را مظاهر آلهه شمردند. همانطور که مجسمه ها و تماثیل آن خدایان در معابد روی زمین افراشته می شد. به زعم ایشان ارواح لطیفه آلهه در آسمانها زندگی می کردند و با یکدیگر گاهی به صلح و گاهی به جنگ و زمانی به محبت و دوستی و وقتی با خصومت و دشمنی به سر می بردند . تعداد این خدایان به شماره کواکب آسمان می رسید. در مجموعه آلهه اعصار سومری و اکدی افزون از چهار هزار اسم خدا به نظر می رسد که هر یک مظهر نیروئی از مظاهر طبیعت بوده اند.

- در حفاریهایی که در اماکن مختلف عراق صورت گرفته ، مجسمه خدایان بیشماری از زیر خاک بیرون آمده و به موزه های جهان منتقل شده است. این خدایان صورت تکامل یافته آنیمیسیم ابتدایی بوده اند. بنابراین بابل نیز تحول و تکامل دین از فتیشیسم تا اعتقاد به خدایان را تجربه کرد. این سیر تقریباً چهار هزار سال طول کشید و در پایان خدایانی که نماینده ارواح ماه و خورشید و سیارات بودند، در شهرهای مختلف مورد پرستش قرار گرفتند . مردوخ در بیشتر زمانها برترین خدا بود.

by eni kazemi ... سه شنبه ۱۳۸۶/۱۲/۷ ... ::

+ از تمدن سومر تا بابل ::

از تمدن سومر تا بابل

جام جم آنلاین: تاریخ بشر در واقع از سومر آغاز می شود. سومر واقع در جنوب عراق کنونی ، یک سرزمین باستانی

بین النهرین یا به زبان یونانی مزوپوتامیا است که در هر دو واژه به مفهوم سرزمین واقع در میان دو رودخانه است.

این منطقه آفتابی و کم باران نام خود را مدیون دو رودخانه دجله و فرات است که از آن می گذرند.

این رودخانه ها نخستین جوامع بشری را به خود جلب کرده و اقوام زیادی در سرزمین واقع در میان این دو رود

ساکن شدند.

به لطف وجود این رودخانه ها کشاورزی به سرعت در این سرزمین شکل گرفت و توسعه یافت.

در حدود سال ۳۳۰۰ قبل از میلاد ، در سرزمین سومر شهرهای زیادی به وجود آمدند که دارای یک ساختار سلسله

مراتبی بوده و یک شاه راهب بر آنها حکومت می کرد.

این جوامع به الهه باروری اعتقاد داشتند. یکی از این شهرها ، شهرک اوروک که دارای حدود چند ده هزار جمعیت

بود ، مبدا پیدایش اسطوره گیلگمش بود.

در عین حال شهر اوروک مبدا پیدایش نخستین خط تاریخ بشر است.

این خط با یک شی نوک تیز روی لوح های خاک رس مرطوب نقش می شد.

سپس این لوح ها را در زیر آفتاب سوزان یا درون کوره ها خشک می کردند.

به طوری که این لوح ها بسیار مقاوم می شدند. این خط به مالکان ثروتمند شهر امکان داد تا حساب دارایی های

خود را روی این لوح ها حفظ کنند.

در آغاز این نشانه ها نقاشی ها و تصاویر ساده بودند که دارایی ها از قبیل گله های دام ، برده ها ، خانه ها ، ابزار و غیره را نشان می دادند.

در طول زمان ، افرادی که مسوولیت ثبت دارایی ها را داشتند این نشانه ها را ساده تر کرده و به نمادهایی کاهش می دهند تا بتوانند سریعتر بنویسند.

درعین حال آنها نشانه هایی که علامت آوایی داشتند را به این خط اضافه می کنند تا واژگان آن را توسعه دهند. مدتها بعد ، شهر اور که یک دولت شهر بود ، ایجاد شد و به شیوه خود نشانه ای از عظمت تمدن سومری بود. در شهر اور حدود ۲۰۰۰ مقبره با تزیینات بسیار با شکوه وجود داشت که قدمت آنها مشابه قدمت اهرام مصر در ۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است.

به لطف آسمان بسیار صاف ، ساکنان این منطقه وقت زیادی را به مشاهده ستاره ها و اجرام سماوی اختصاص می دادند.

این مساله موجب ایجاد علم نجوم در تمدن سومر شد و در عین حال سومر مبدا پیدایش علم حساب است.

سومری ها کاشف گردش شبانه روز و ساعت هستند. آنها ۶۰ دقیقه در یک ساعت و ۲۴ ساعت در شبانه روز را محاسبه کردند ، همچنین ۳۶۰ درجه در یک دایره براساس محاسبات سومری ها بود. به لطف خط ، حاکمان شهرهای سومر به سهولت فرامین خود را به سربازان و رعایای خود ابلاغ می کردند و هیچ فردی جرات سرپیچی از این فرامین را نداشت.

در جریان هزاره سوم قبل از میلاد دولت شهرهای سومر بی وقفه در حال نبرد با یکدیگر بودند.

در حدود سال ۲۳۰۰ قبل از میلاد رقابت و درگیری میان شهرهای سومری موجب شد تا آنها به طور موقت تحت تسلط قوم اکد قرار گیرند.

سارگون اول ، شاه آگاده ، شهری واقع در شمال سرزمین اکد بر سومریان تسلط یافت.

به نظر می رسد اکدها قومی از اقوام سامی بودند که از شبه جزیره عربستان به این سرزمین مهاجرت کرده بودند اما تمدن قوم اکد به سرعت رو به زوال نهاد و بار دیگر سومر احیا شد و شهر اور قدرت زیادی یافت. یکی از رقیبان عمده شهر اور ، شهر لاگاش بود که مشهورترین شاه آن گوته آ نام داشت.

در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد شهرهای سومری و به ویژه اور رو به زوال نهادند و این امر موجب پیدایش پادشاهی های کوچکی مسقطی در این منطقه شد. یکی از این سلطنت ها در پیرامون شهر بابل ایجاد گردید که دارای یک سرنوشت منحصر به فرد شد. شهر بابل در منطقه کده یا بابلونیا در واقع در سرزمین سابق کشور اکد ایجاد شده بود و خیلی زود به قدرت برتر منطقه تبدیل گردید و یک امپراتوری شد.

by eni kazemi ... سه شنبه ۱۳۸۶/۱۲/۷ ...

+ تمدن و برج بابل:

تمدن بابل در جنوب بین النهرین شکل گرفت.ایشان مرتب با آشور و عیلام در حال جنگ بودند و در یکی از این جنگ ها از عیلامی ها شکست خوردند اما پس از چند قرن آن مناطق را پس گرفتند.از معروفترین پادشاهان ایشان حمورابی بود که شهر بابل را بسیار رونق داد بطوریکه دارای جمعیت زیادی گشت و حمورابی جهت کنترل اوضاع قانون نامه ای را وضع کرد.و آن را روی سنگ بزرگی نوشت و در میدان شهر قرار داد.حدود ۱۱۰۰ سال قبل میلاد عیلامی ها با شکست بابل این لوح را به شوش بردند.پس از وی حاکمی به نام نمرود به سلطنت رسید که در

همان دوران حضرت ابراهیم (ع) به پیامبری برگزیده شد. چون آشورینی پال شاه آشور مرد پادشاه بابل به نام نابوپولوسار با هوخشتره از ماد متحد شد و سوی آشور لشگر کشیدند و پس از نبردهای طولانی آشور را شکست دادند. هوخشتره دخترش را به همسری پسر شاه بابل به نام بخت النصر درآورد. پس از این پیروزی قلمرو آشور را میان خود تقسیم کردند. بخت النصر که پادشاه شد تصمیم به کشورگشایی گرفت. به فینیقیه (لبنان و فلسطین کنونی) حمله برد و موفق هم بود. وی با وجود این جنگ ها به فکر آبادسازی نیز بود. دور بابل را حصار کشید و ورود به آن از طریق دروازه ایشتار بود. وی زیگوراتی ساخت و مجسمه خدای بابل را در آن قرار داد که پادشاهی شاهان با رفتن به معبد و گرفتن دست های مجسمه رسمیت می یافت.



برج بابل

by eni kazemi ... دوشنبه ۱۳۸۶/۱۲/۶

+ فساد - فحشا و زنا در تمدن بابل:..

هرودوت می نویسد : بر هر زن بابلی واجب است که در مدت عمرش یک بار در معبد زهره (ونوس) حاضر شود و با یک مرد بیگانه نزدیکی جنسی کند و مرد را بهره مند کند . زنان ثروتمند بابلی به دلیل فخر و مقام بالاتر اجتماعی خود از این کار شرم گین بودن و به همین جهت آنان را با عرابه هایی سرپوشیده به معبد می بردند و پس از اجرای مراسم جنسی با مرد دوباره با همان حالت سرپوشیده به منزل می بردند . گذرگاهی نیز در بابل وجود دارد که مردان آنجا می نشستند و زنانی که عبور میکرده اند را انتخاب نموده و سپس به معبد می برده اند و به میل و رغبت زن با او سکس میکردند . مرد نیز قطعه ای نقره ای به نام میلیتا در دامن وی میگذارد و زن حـق رـد کـردن اـیـن درخواست مـرد را نـدارد . این کار به عنوان امری واجب و خدایسندانه برای زنان به حساب می آید و زنانی که از زیبایی برخوردارند پس از اجرای مراسم جنسی فوراً معبد را ترک میکنند ولی آنان که چهره ای ضعیف تر دارند ساعتها همانجا می مانند . این کار که به فحشای مقدس مشهور است تا سال سیصد و بیست و پنج میلادی ادامه داشت. تا آنکه قسطنطین آن را ممنوع اعلام کرد .

به همین جهت زنان روسپی در شهر در خانه هایشان مشغول کار خویش می شدند . مراسم ازدواج آنان به صورت بازاری بوده است که دلان دختران جوان را دور یکدیگر جمع میکردند و مردان نسبت به زیبای چهره و اندامشان به آنان پول پرداخت میکردند و آنان را به همسری خود برگزیدند .

[ادامه مطلب...](#)

[by eni kazemi](#) ... دوشنبه ۱۳۸۶/۱۲/۶ ::::: .:

[+ تمدن بابل باستان:::](#)

بابل یکی از تمدن‌های باستانی حوزه? میان‌رودان است. بابل در بین‌النهرین در حوضه? رود فرات قرار داشت. بابلی‌ها از نژاد سامی بودند. کلمه? بابل به معنی دروازه? خدا (باب-ایل-لون) است. در سال ????. پ.م. سلسله سومریان باستان از هم پاشید. سومر اولین و قویترین شهر - کشورهای بین‌النهرین و جانشین آن پادشاهی بابل و امپراتوری آشور بود. در سال ????. پیش از میلاد عیلام بین‌النهرین را به تصرف خود درآوردند. با درگیری طولانی سومری‌ها در جنوب و بابلی‌ها در شمال بین‌النهرین، سرانجام اقتدار بابلی‌ها تحت سلطه حمورابی ???-???? پ.م. تثبیت شد. از ???-???? قبل از میلاد بابل از طرف کوهنشینان کاسی لرستان فتح شد. حکومت کاسی‌ها بر بابل ??? ساله شد. [۱]

در زمان حمورابی شیوه? جدید مدیریت که تمرکز قدرت در مرکز و دربار بود به کار گرفته شد و قدرتی که در اختیار فرمانروایان ولایات بود به پادشاه تفویض شد و حکومت پادشاهی مدعی داشتن سرمنشاء الهی شد.

اقتدار بابل در دنیای قدیم آنچنان بود که در دولت‌های بعدی دنیای قدیم اثرگذار شد. به ویژه قوانین حمورابی که لوح‌نوشته? آن در شوش یافته شده.

حمورابی شاه بابل را واضع اولین قانون نوشته می‌دانند. این مجموعه قوانین نوشته بر تخته سنگی یافت شده است که اصل آن در لوور است و رونوشت‌هایی از آن به موزه‌های ایران و عراق داده شده است.

قوانین حمورابی مربوط به زراعت، آبیاری، کشتیرانی، خرید و فروش برده و مجازات‌ها، ارث و ازدواج است. دوران تسلط بابلی‌ها از ??? تا ??? پ. م. است.

تمدن بابل و شاهان آن کمابیش به افسانه‌ها راه یافته‌اند. بابلیان را مبدع و مخترع بسیاری چیزها می‌دانند و فراوان کرده‌های بابلیان است که تا امروز به جا مانده‌است. از جمله ?? بخش کردن روز و وضع هفته به عنوان بخش زمان.

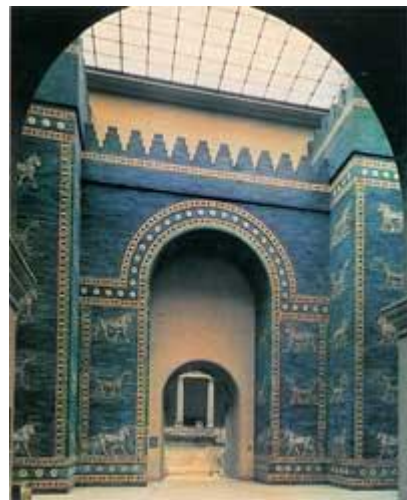
بابل نوین

امپراطوری آشور هیچگاه شاهد امنیت و آرامش کامل نبود، و بیشتر پادشاهان آن مجبور بودند با یاغیانی که در بخشهای بزرگی از خاور نزدیک سر به شورش بر می داشتند به مقابله برخیزند. سده هفتم پیش از میلاد، روزگار اوجگیری پیوسته مخالفت با حاکمیت آشور بود، و در آخرین سالهای پادشاهی آشور بانیپال. امپراطوری آشور در راه از هم پاشیدگی و زوال گام نهاد. در زمان سلطنت پسر و جانشین وی، امپراطوری آشور در اثر یورشهای همزمان مادها از شرق و بابلیان برخواسته از جنوب سقوط کرد بابل یکبار دیگر بپاخواست و در یک دوره احیای کوتاه مدت (538 - 612 ق. م.) فرهنگ کهن بین النهرین جنوبی علی الخصوص در دوره حکومت پادشاه افسانه ای آن سرزمین یعنی بخت نصر (نبوکد نصر) که شرح کارهایشان را در کتاب دانیال نبی می خوانیم رونق گرفت. بخت النصر بابل را یکبار دیگر به هفتگانه جهان باستان تبدیل کرد. از معبدی که برای بل (انلیل) خالق و فرمانروای زمین و (خدای توفان) - برج بابل عبریان - ساخته شده بود - فقط بخش کوچکی از زیگورات بزرگ آن باقی مانده است. لیکن هرودوت سیاح یونان باستان و (بدر تاریخ) گزارش مختصری از بازدید که در سده پنجم پیش از میلاد از مجموعه این معبد به عمل آورده بود، از خود به یادگار نهاده است: در یک [بخش شهر] کاخ شاهان بودند؛ در بخش دیگر، صحن مقدس زئوس - بل یعنی محوطه محصور به وسعت ۴۰۰ متر مربع با دروازه های بزرگی از جنس برنج یکدست دیدم که تا زمان حیات من بر جا مانده بود. در وسط صحن، برجی از سنگ به دراز و پهنای یک پنج کیلومتر و روی آن برج دومی، روی آن سومی و الی آخر تا برج هشتم ساخته شده بود. راه صعود به قله این برج در بیرون از صحن واقع شده، و آن پلکانی است که دور تا دور همه برجها می پیچد. وقتی صعود کننده تا نیمه راه برسد یک استراحتگاه می بیند و می نشیند زیرا اشخاص پیش از رسیدن به قله، خیلی مایلند چند دقیقه ای در یک استراحتگاه بنشینند. در بالاترین برج، یک معبد وجود دارد و در داخل معبد تختخوابی بس بزرگ، با زیورهای گران و میزی از زر در کنارش دیده می شود... اینان نیز مدعی اند که خدا شخصا به این معبد می آید و روی تختخواب می خوابد، ولی من به این سخن باور ندارم.



56- شیری از مسیر رژه روندگان ، بابل ، حدود 575 ق.م. آجر لعابی ، بلندی تقریباً ۱۰۵ cm موزه لوور پاریس

راه ورود به مجموعه معبد از مسیری دو دیواره به نام مسیر رژه روندگان با شصت پیکره پرشکوه از شیرهایی که با آجرهای رنگارنگ لعابی ساخته شده بودند می گذشت (تصویر ۵۶) . این جانوران پر شکوه ، که وقف الهه ایشتار شده اند ، به نقش برجسته قالب گیری شده و با لعاب زرد - قهوه ای و قرمز بر زمینه فیروزه ای یا آبی سیر رنگ شده اند . آجرهای لعابی بابلی مات و سخت اند ؛ احتمالاً هر آجر به طور جداگانه قالب گیری و لعاب داده می شد . این احتمال نیز وجود دارد که جانوران مزبور که قدرتمندیشان از پوزه های غزان ، دنبهای دراز و پر گوشت ، و عضلات دقیقاً نمایانده شده شان پیداست ، در اثر کاربرد این اسلوب ، سبک دارتر و تصنعی تر از نقشهای برجسته آشوریان در شبیه سازی از مراسم شکار است .



لوچه رنگی ۵ - دروازه ایشتار (بازسازی شده) بابل حدود ۵۷۵ ق.م. موزه دولتی ، برلین

مسیر رژه روندگان از دروازه عظیم ایشتار با آجرهای لعابی درخشان (لوحه رنگی ۵) می گذشت ؛ طرح این دروازه با برجهای کنگره دار جناحینش با نوع دروازه یافت شده در معماری کهن تر بابل و آشور مطابقت دارد . آجر کاشی یا آجر لعابی از مدتها پیش مورد استفاده بوده است ، ولی سطح آجرها حتی سطح آجرهایی که بخشهایی از کنگره ها بر آنها ظاهر می شد ، تخت بود . بر سطوح دروازه ایشتار که با زحمات فراوان از نوع بازسازی شده ، ردیفهایی از پیکره های نیم رخ ، اژدهای مردوک و گاو اداد با وقار تمام ، یک در میان ، نشان داده شده اند . در اینجا خصوصیت و رسمیت ویژه هنر بین النهرین به بهترین وجه ممکن به نمایش در آمده است . پیکرها شکوهی چون چاوشان دارند و نام خدایان معابدی را اعلام می کنند که این راه مقدس بدانها منتهی می شود روشن است که درسهای پیکر تراشی معمارانه بوغازکوی و خرساباد به خوبی فرا گرفته شده اند و انطباق کاملی که بین پیکره و دیوار در جانوران دروازه ایشتار دیده می شود . قرینه ای نداشته است ؛ بدون تردید در تاریخ معماری ؛ چند تزیین رنگی و ماندگار دیگر برای سطوحی این چنین شناخته شده است .

○ ایران

نبوکد نصر، یا (شاه شاهان) به روایت کتاب دانیال نبی، لاف زنان می گوید (من دیواری محکم را بر ان داشتم که گرداگرد بابل کشیده شود ... تادشمنی که قصد حمله به ما را داشته باشد نتواند تهدیدمان کند [...] و شهر بابل را به یک دژ مستحکم تبدیل کردم .) لیکن پس از حکاکای این دستخط بر روی دیوارمزبور شهر، به تصرف کوروش پادشاه ایران ایرانیان را به نقاطی بس دورتر از بابل کشانید . مصر در سال ۵۲۵ ق.م. در برابر ایرانیان تسلیم شد . در سال ۴۸۰ ق.م . امپراتوری ایران از رود سند تا رود دانوب گسترده بود فقط مقاومت پیروزمندانه یونانیان در سده پنجم پیش از میلاد توانست مانع الحاق اروپای جنوبی به این امپراتوری شود .

کاربردهای نفت و مشتقات آن در روزگار باستان

معماری باغ های بابل

منطقه ای که امروزه با منابع فراوان نفت و گازش تحت عنوان خاورمیانه می شناسیم و در عین حال قدیمی ترین تمدنهای مشرق زمین، ایران و بین النهرین نیز در آن قرار دارند ، کهن ترین نمونه ها از کاربردهای نفت و گاز در روزگار باستان را به نمایش می گذارند و با وجود این شواهد و مستندات دیگر نمی توان تاریخ نفت در این منطقه را محدود به دوران معاصر و یکصد ساله اخیر نمود...

هر چند ظاهرا آشنایی جهانیان با نفت و گاز و مشتقات نفتی با آغاز قرون جدید و حفاری های صنعتی یکصد ساله اخیر صورت پذیرفته اما شواهد فراوان باستانی در اختیار داریم که خصوصا در منطقه ایران و بین النهرین (عراق کنونی) مردمان با نفت و گاز و مشتقات نفتی آشنایی داشته اند و معماری باغ های معلق بابل که بعنوان یکی از عجایب هفتگانه دنیای قدیم محسوب می شده اند ، یکی از جلوه های این آشنایی و کاربرد های مشتقات نفتی در معماری روزگار باستان محسوب می شوند.



بین النهرین و بابل

بین النهرین و بابل بعنوان یکی از مهمترین شهرهای آن در روزگار باستان ، در میان دو رود دجله و فرات در سرزمین عراق فعلی واقع بود .این منطقه در ابعاد مختلف تمدنی ، فرهنگی و سیاسی و ساختار معماری و ساختمان سازی اش ویژگی های منحصر بفرد خود را داشت .از این میان باید به بابل اشاره کنیم که در عهد عتیق نیز از آن با همین نام یاد شده است .این شهر به استناد کشفیات باستان شناسی ، نخستین شهر جهانی تاریخ بشریت محسوب می شود و قبل از هر چیز به خاطر ویژگی های خاص معماری خود مورد توجه است هرودت که یک قرن و نیم پس از روزگار رونق بابل از آن دیدن کرده در توصیف آن می نویسد :

... بر جلگه پهناوری قرار دارد و بر گرد آن بارویی به طول تقریبی نود کیلومتر کشیده شده. نهر فرات که نخلستانهایی دو کرانه آن را پوشانیده بود از میان شهر می گذشت. مسافری که به این شهر نزدیک می شد چنان می دید که بر بالای کوهی از ساختمان برج بزرگ مدرج - زیگورات - هفت طبقه ای قرار دارد که نوک آن دویست متر از سطح زمین بلندتر است. (۱) در بابل سه اثر معماری بیش از همه برجسته بوده اند: برج بابل/حصار بابل و مهمت - از ایمن دو، باغهای معلای معلی - ق باب - ل

دلایل ساخت باغهای معلای معلی باب - ل

منابع به ما می گویند زمانی که باغهای معلی به وجود آمد، بابلی ها تاریخی به قدمت تقریباً سه هزار سال را پشت سر گذاشته بودند. (۲) بابل، نخست مسکن سومریها بود (قومی که حدود سه هزار سال پیش از میلاد در بین النهرین می زیستند)، سپس توسط مهاجران اکدی، که حدود دو هزار و ششصد سال قبل از میلاد به بابل آمدند، اشغال و تسخیر شد و پانصد سال پس از آن توسط اقوامی که از شمال بین النهرین به آنجا آمدند، تحت سلطه قرار گرفت و مأوا و مسکن آنها شد. پس از یک دوران کوتاه شکوفایی تحت سلطنت شاه حمورابی (۱۷۲۸ تا ۱۶۸۶ پیش از میلاد)، هیتی ها و سپس کاسی ها بر بابل تسلط یافتند و سرانجام به تصرف آشوریها در آمد. در سال ۶۲۶ پیش از میلاد، نبوپولاسار، یکی از شاهزادگان اقوام کلدانی که در جنوب بابل زندگی میکردند، بابل را از زیر حکم آشوریان بیرون آورد و در آن سلسله مستقلی را تاسیس کرد. (۳) نبوپولاسار در رونق بابل بسیار کوشید. او با اتحاد با هوخشتر پادشاه ماد توانست نینوا را محاصره و فتح نماید و پس از آن نیز این اتحاد قطع نشد بلکه با ازدواج سیاسی دختر پادشاه ماد با ولیعهد بابل این اتحاد محکم تر گردید. (۴) هنگامی که در سال ۶۰۵ پیش از میلاد نبوپولاسار در گذشت، ولیعهد او «بختنصر» که داماد پادشاه ماد نیز بود بر تخت نشست. او کشور خود را با جنگ های بی شمار، تبدیل به قدرت جهانی زمان خود کرد و همزمان پایتخت کشورش «بابل» را تبدیل به بزرگترین، جدیدترین و پرشکوهترین شهر جهان در آن روزگار کرد. بختنصر علاوه بر کشورگشایی بابل را بزرگترین و باشکوهترین پایتخت جهان قدیم ساخت و معماری شهر را که پدرش پسی ریسی کرده بود تکمیل نمود. باغهای معلی بابلی نیز که بعنوان سومین ویژگی خاص و معرفی بابل از آن یاد کردیم و یونانیان آنرا دومین اثر از عجایب هفتگانه دنیای قدیم می دانستند، در دوران حکمرانی همین پادشاه به وجود آمد. این بنا احتمالاً هدیه ای از طرف بختنصر به همسر ایرانی اش امی تیس دختر سابق پادشاه ماد بود. بنا بر گزارشهای تاریخی موجود، بخت النصر دستور داد باغهای معلی را بسازند تا غیبتهای طولانی خود را نزد ملکه جبران کند، و همچنین برای همسرش در جلگه ی یکنواخت فرات، خاطره ی کوچکی از کوهستانهای پوشیده از

جنگل و وطنش ایران را فراهم آورد. (۵) باغ های معلق بابل تا زمان اسکندر نیز هنوز وجود داشته، اما پس از آن دیگر نشانی از باغ ها نبود. طغیان فرات در روزگار باستان بابل و باغ های آن را برای مدتهای طولانی زیر رسوبات آبرفتی قرار داد و اطلاعات پیرامون بابل و باغ های معلق آن تا قرن ها تنها محدود به گزارشات یونانیان و روایات افسانه ای محلی بود تا اینکه حفاری های باستانشناسی در عراق آغاز شد.

کاشاوش های باستانشناسی در بابل

با آغاز فعالیت های باستان شناسی بود که تلاش هایی برای کشف این شهر و باغ هایش به عمل آمد. در سال ۱۸۹۸ میلادی (۱۲۷۷ خورشیدی) باستانشناس آلمانی «روبرت کلدوی»، در حدود ۹۰ کیلومتری جنوب بغداد در عراق امروزی در سواحل رود فرات جستجو در پی ویرانه ها و بقایای شهر غرق شده ی بابل را آغاز کرد. این باستانشناس ۱۸ سال از عمر خود را در اجرای این مأموریت سپری کرد و در کار خود موفق شد. او نخست برج بابل را یافت ، معبدی بزرگ و مطبّق و در عین حال درون پُر که به افتخار خدای کشور بابل ، «مردوک» برپا شده بود . کلدوی ، همچنین دیوار شهر بابل را که عظمتش تعجب جهانیان زمان خود را برانگیخته بود ، پیدا کرد. دیوار بقدری عریض بود ، که دو ارابه ی اسبی می توانستند روی آن براحتهی در کنار هم حرکت کنند.

اما باغهای معلق معروف کجا بود؟ این پژوهشگر آلمانی پس از اینکه سالهای طولانی سخت کوشانه و با ناکامی به دنبال این اثر ساختمانی جستجو کرده بود ، یک روز در گوشه ی شمال شرقی مجتمع بی حد و مرز کاخهای سلطنتی ، در عمق یک متری از سطح خاک و خرابه ، به ساختمانی برخورد که مشابه آن را تا به حال هرگز ندیده بود ؛ این پی از دوازده اتاق باریک و دراز که اندازه یکدیگر بودند تشکیل می شد ، که از سنگ تراش داده درست شده بود. این دوازده اتاق در دو سوی یک راهروی میانی ردیف شده بودند ؛ سقف این اتاقها از آجر (خشت پخته) بنا شده و چنان محکم و قطور بود که ظاهراً منظور از ساخت آن تحمل بارهای سنگین بوده است. دیوارها و ستونها تا ۷ متر قطر داشتند. چیز دیگری که کلدوی در این خرابه ها کشف کرد یک حلقه چاه بود. این چاه از یک دهانه ی حلقوی مرکزی و دو دهانه ی گوشه دار کوچکتر تشکیل شده بود. چرخ چاهی که به این چاه تعلق داشته و احتمالاً از چوب و طناب های کلفت تشکیل می شده ، باقی نمانده بود . کلدوی مدتی طولانی اندیشید که این زیر زمین طاق گنبدی ، زمانی چه چیزی را می توانسته تشکیل بدهد . آنگاه او پاسخ را یافت! او در بسیاری از نوشته های یونانیان و رومیان ، و همچنین بر روی کتیبه های سنگی خط میخی زمان بابلیها ، سرنخهایی به دست آورد که در بابل فقط در دو نقطه سنگ تراش داده به کار رفته بوده است: در دیوار شمالی قصر یا کاخ و سرای سلطنتی بابل ، و در باغهای معلق! سنگهای تراش داده شده ی قصر را کلدوی قبلاً یافته بود بنابراین

زیر زمین طاق گنبدی می بایست متعلق به باغهای معلق مشهور می بود. (۶) کلدوی از ادبیات جامع موجود درباره ی بابل قدیم ، فقط می توانست یک تصویر درباره ی شکل ظاهری باغهای معلق مجسم کند. احتمالاً روی زیرزمین طاق گنبدی یک ساختمان مرکزی تراس گونه با تراسهای مطبق قرار داشته است. هر تراس حدود ۵ متر بالاتر از تراس زیری خود واقع بوده و با سطوح سنگی به طول ۵/۴۵ متر و عرض ۱/۳۵ متر فرش شده بوده است. بر روی هر یک از سطوح سنگی ، یک لایه حصیر آغشته به قیر، کشیده شده و روی آن با دو لایه آجر کوره ، فرش و درزهای میان آجرها با گچ گرفته شده بوده است. دوباره بر روی این طبقه ی آجری ، یک لایه سرب ریخته شده بوده که از نشت رطوبت به طبقات زیرین جلوگیری کند. در نهایت بر روی لایه ی سربی ، یک لایه خاک به ارتفاع ۳ متر قرار داشته که باغ اصلی را — که در آن حتی درختان بلند هم میتوانستند برویند — تشکیل میداده است.

استفاده از قیر در ایزولاسیون باغ های بابل

همانگونه که در گزارش کلدوی به استفاده از حصیر قیر اندود بر ستونهای سنگی باغ ها اشاره شده ، اگر دقت کنیم خواهیم دید که قیر، بهترین عایق و آب بندی است که میتوانسته برای عایق سازی چنین بنایی مورد استفاده قرار گیرد. اگر تصور نماییم که فضای سبز باغهای معلق بابل بر روی خاکی ایجاد شده بود که در حوضچه های عریض سنگی قرار داشتند آنگاه بناچار باید به دنبال عایقی باشیم که بتواند کف این گلخانه مرتفع را بپوشاند تا از نشت آب ————— زیری آن جلوگیری نماید. ————— منابع یونانی به ما می گویند که باغهای معلق بابل مربع شکل بوده و دارای گنبدهای قوسی شکلی بوده که بر روی کف شطرنجی مکعبی شکلی قرار داشته است. ایوانی که دور بام ایجاد شده بوده توسط پلکان با پایین مرتبط میشده است. باغهای معلق از گیاهانی که بالاتر از سطح زمین کاشته شده بودند ایجاد شده و ریشه گیاهان و درختان به جای کاشته شدن در زمین، در کف ایوانها جاسازی شده بودند. تمام این مجموعه بر روی ستونهایی قرار داشت و آب از طریق وسایل بالا برنده در کانالهای شیب دار ریخته و در کل باغ جریان می یافت. آبیاری گیاهان و رطوبت موجود در فضا از همین آب بود. در واقع این بنا با چمن همیشه سبز و درختان محکم، کاری هنری و تجملی شاهانه بود. کاری که در عین حال نخستین کاربردهای قیر طبیعی بعنوان یک مشتق نفتی را در منطقه نشان میدهد. با توجه به معماری و ساختاری که برای باغ های معلق بابل متصوریم و خصوصاً مسئله لزوم آب بندی و نشت گیری کف سنگی باغ ها و با توجه به سابقه استفاده از قیر در بابل می توانیم احتمال استفاده از قیر در معماری باغ ها را

آنگونه که کلدوی ترسیم کرده است قابل تصور بدانیم .

موارد دیگر اسرافاده از قیصر در بابیل

درخصوص کاربردهای قیصر در بابل شواهد دیگری نیز در دست است. در این شهر باستانی راهی وجود داشته که معابد را به یکدیگر ارتباط میداده و راه مقدس نامیده می شد. راه مقدس با قیصر اندود پوشیده و بر روی آن پاره های سنگ آهکی و آجر قرمز رنگی فرش کرده بودند تا پادشاهان بتوانند بی آنکه پایشان آلوده شود از این راهها بگذرند. (۷) این گزارش را در تاریخ تمدن ویل دورانت می خوانیم و در جای دیگری از همان کتاب به محلی اشاره می شود در پانصد متری شمال برج بابل که در آن محل قصر بابل و در کنار آن باغ های معلق قرار داشته اند. (۸) از کاربردهای نفت و مشتقات طبیعی آن همچون قیصر در ایران و بین النهرین می توان نمونه های فراوانی را تشخیص داد که برخی دارای مستندات و آثار بجای مانده و برخی دیگر با قید احتمال قابل اشاره میباشند و احتمال استفاده از قیصر در معماری باغ های معلق بابل یکی از این موارد است . منطقه ای که امروزه با منابع فراوان نفت و گازش تحت عنوان خاورمیانه می شناسیم و در عین حال قدیمی ترین تمدنهای مشرق زمین، ایران و بین النهرین نیز در آن قرار دارند ، کهن ترین نمونه ها از کاربردهای نفت و گاز در روزگار باستان را به نمایش می گذارند و با وجود این شواهد و مستندات دیگر نمی توان تاریخ نفت در این منطقه را محدود به دوران معاصر و یکصد ساله اخیر نمود. شواهدی که در ایران نیز بسیار زیاد و متعدد می باشند.

پی نوشت ها :

- ۱- ویل دورانت : تاریخ تمدن /ج یک/ترجمه احمد آرام و.../چاپ پنجم ۱۳۷۷/علمی فرهنگی / تهران /ص ۲۶۶
- ۲- م . ا . مالوان : بین النهرین و ایران باستان /ترجمه رضا مستوفی/۱۳۷۲/دانشگاه تهران/ص ۱۴۰
- ۳- ویل دورانت : همان /ص ۲۶۴
- ۴- حسن پیرنیا : تاریخ ایران / ۱۳۷۶ /انتشارات خیام / تهران / ص ۵۳
- ۵- حمید میرنوری : سهم ایران در تمدن جهان /بی تا / شرکت ملی نفت ایران / تهران / ص ۲۹
- ۶- گزارش کلدوی از بابیل در دانشنامه ویکی پدیا ذیل واژه ی بابیل
- ۷- ویل دورانت : همان /ص ۲۶۶
- ۸- ویل دورانت : همان /ص ۲۶۷